اشارات پزشکی در «پنج گنج» حکیم نظامی

وهاب زاده، جواد

مقدمه

الیاس بن یوسف معروف به حکیم نظامی‏ گنجه‏ای،شاعر داستان‏سرا و رمز گوی نامدار ایران در قرن ششم هجری،علاوه بر تبحّر در ادبیات منظوم با دانش در پزشکی عصر خود نیز مانوس بوده و بیش از 300 بیت از سروده‏های‏ او در رابطه با مباحث مختلف طب و درمان‏ می‏باشد.این ابیات طبیبانه شامل حدود یک‏ درصد سروده‏های اوست که از نظر میزان‏ پراکندگی به ترتیب در منظومه‏های خسرو شیرین(خ)،اقبال نامه(الف)،هفت پیکر(هـ)، لیلی و مجنون(ل)،شرف نامه(ش)و مخزن الاسرار(م)قرار دارند.

قبل از پرداختن به موضوع«پزشکی در شعر نظامی»،ذکر چند نکته ضروری‏ست،اول‏ این‏که مطالب پزشکی پنج گنج نظامی باید با ویژگی‏ها و باورهای عصر او ارزیابی شود.دوم‏ این‏که بعضی از اشارات طبی ممکن است‏ مفاهیم و معانی رمزی نیز داشته باشند،ولی در این مقاله تنها از منظر پزشکی مورد توجه قرار گرفته‏اند،سوم این‏که برای رعایت اصل‏ اختصار،در هر موضوعی فقط به یکی دو بیت‏ بسنده شده(جمعا 65 بیت)و حتی المقدور از شرح و توضیح نیز صرف نظر شده است.

مباحث این مقاله در نه باب اصلی تنظیم‏ شده است که بعضی از آن‏ها مشتل بر چند بخش می‏باشد.

باب اول،در منزلت علم پزشکی

حکیم نظامی ضمن فرزند خود به‏ تحصیل علم طب،در منزلت طب و طبیب‏ چنین می‏گوید:

تشریح نهاد خود بیاموز کاین معرفتی‏ست خاطر افروز پیغمبر گفت علمعلمان‏ علم الابدان و علم الدیان‏ در ناف دو علم بوی طیب است‏ و آن هر دو فقیه یا طبیب است‏ می‏باش طبیب عیسوی هش‏ اما نه طبیب آدمی کش(ل)

در منظومه‏های(الف)،(هـ)و(م)نیز بارها، پزشک و پزشکی را ستوده است:

درد ستانی کن و درمان دهی‏ تات رسانند به فرماندهی(م)

باب دوم‏ در شرایط پزشک و بیمار

1-لزوم حذاقت و دانایی پزشک:

ز دانایی سلامت بهر گردد علاج از دست نادان زهر گردد(خ)

2-لزوم سلامتی خود پزشک:

سخن در تندرستی تندرست است‏ که در سستی همه تدبیر سست است‏ نشاید کرد خود را چاره‏ی کار که بیمار است رأی مرد بیمار(خ)

3-لزوم مراجعه پزشک بیمار به پزشک‏ دیگر:

طبیب ار چند گیرد نبض پیوست‏ به بیماری،به دیگر کس دهد دست(خ)

4-لزوم دادن شرح حال کامل از سوی‏ بیمار:

چو می‏خواهی که یابی روی درمان‏ مکن درد از طبیب خویش پنهان(خ)

باب سوم،در بهداشت و پیشگیری

حکیم نظامی بر اصل مهم«تقدم‏ پیشگیری بر درمان»واقف بوده و در این نوشته‏ هم پیش از پرداختن به موضوع تشخیص و درمان ابتدا به موضوع بهداشت از دیدگاه نظامی‏ در چندین بخش می‏پردازیم:

1-بهداشت تغذیه

الف:اعتدال در غذا

ز بسیار و ز کم بگذر که خام است‏ نگه‏دار اعتدال اینت تمام است‏ دو زیرک خوانده‏ام کاندر دیاری‏ رسیدند از قضا بر چشمه ساری‏ یکی کم خورد و کاین جان می‏گزاید یکی پر خورد و کاین جان می‏فزاید چو بر حدّعدالت ره نبردند ز محرومی و سیری هر دو مردند(خ)

ب:توصیه به تنوع در تغذیه:

همه لقمه شکر نتوان فرو برد گهی صافی توان خورد گهی درد(خ)

2-بهداشت ازدواج:

یکی جفت تنها تو را بس بود که بسیار کس مرد بی‏کس بود از آن مختلف رنگ شد روزگار که دارد پدر هفت و مادر چهار(الف)

3-بهداشت جنسی و پرهیز از می‏بارگی

به چندین کنیزان وحشی نژاد مده خرمن عمر خود را به باد نکردی تمتّع نخوردی نبید کزین هر دو گردد خرد ناپدید(الف)

4-بهداشت پوشاک

برون کش پای از این پاچیله‏ی تنگ‏ که کفش تنگ دارد پای را لنگ(خ)

5-پیشگیری از بیماری‏های مسری

به کابل را ز طفل پوشند تا خون بجوش را نخوشند(ل)

که توصیه‏یی‏ست به لزوم دور نگه داشتن‏ کودک از فرد مبتلا به آبله.

باب چهارم،در اهمیت تشخیص

1-تاکید بر تشخیص صحیح قبل از شروع‏ به درمان

درد او را دوا شناختنی‏ست‏ چون‏شناسی علاج ساختنی‏ست(هـ)

2-تاکید بر توأم کردن معاینه‏ی بالینی‏ (نبض)با بررسی‏های آزمایشگاهی(قاروره)

قاروره‏شناس نبض بفشرد قاروره شناخت رنج او برد(ل)

باب پنجم‏ در نشانه‏شناسی بیماری‏ها

در رسیدن به تشخیص،شناختن نشانه‏ها Sigans و علائم Symptoms بیماری‏ها از ضروریات است و حکیم نظامی به‏ نشانه‏شناسی برخی بیماری‏ها اشاره دارد:

1-صرع

الف:افتادن بیماری مصروع و فریاد او قبل از افتادن:

برآورد از جگر آهی شغبناک

چو مصروعی ز پای افتاد در خاک(خ)

ب:تشدید علائم صرع در نگاه کردن به‏ ماه

شیفتم چون خری که جو بیند یا چو صرعی که ماه نو بیند(هـ)

2-سرمازدگی و سیانوز(کبودی) ناخن‏ها:

به عزلت نشینان صحرای درد به ناخن کبودان سرمای درد(الف)

3-خناق(دیفتری)و سیانوز بیمار:

فلک سر مست بود پویه چون پیل‏ خناق شب کبودش کرد چون نیل(خ)

4-آلزایمر(زوال عقل پیری)و فراموشی‏ در آن

ز پیری دگرگون شود رأی نغز فراموش کاری درآید به مغز(ش)

5-مننژیت(سرسام)و نور هراس‏ (فوتوفوبی)

برآورد مرغ سحرگه غریو چو سرسامی از نور و صرعی ز دیو(ش)

6-هاری و آب هراس(هیدروفوبی)

چو عنوان گاه عالم تاب را دید تو گفتی سگ گزیده آب را دید(خ)

7-فلج و اختلال حرکتی در آن

عضوی که مخالفت پذیرد فرمان تو را به خود نگیرد(ل)

8-کژدم زدگی و تشدید علائم آن با خوردن کرفس

زهری‏ست به قهر نفس دادن‏ کژدم زده را کرفس دادن(ل)

9-تب و سودا و تشدید و علائم آن‏ها با خوردن حلوا و شیرینی

ولی تب کرده را حلوا چشیدن‏ نیرزد سال‏ها صفرا کشیدن‏ مکن سودا که شیرین،خشم ریزد ز شیرینی،به جز صفرا چه خیزد(خ)

10-تشدید علائم بیماری‏ها در شب

خوش است این داستان در شأن بیمار که شب باشد هلاک جان بیمار بود بیماری شب جان سپاری‏ ز بیماری بتر بیمارداری(خ)

باب ششم‏ در اهمیت درمان به موقع

بینایی دیده چون بریزد از دادن توتیا چه خیزد چون سیل خراب کرد بنیاد دیوار چه کاهگلی چه فولاد(خ)

باب هفتم،در انواع دارو و درمان

در شفاخانه‏ی نظامی انواع درمان‏ها از جمله داروهای گیاهی،داروهای کانی، درمان‏های جراحی،تدابیر روان پزشکی و درمان‏های فیزیوتراپی یافت می‏شود.

1-داروهای گیاهی

فرآورده‏های گیاهی از گذشته‏های دور در معالجات بیماری‏های مختلف کاربرد داشته و نظامی با آگاهی به این موضوع‏ چنین می‏گوید:

نروید از زمین هرگز گیاهی‏ که برگش نبنوشته دوایی‏ چو عیسی هرکه دارد توتیایی‏ ز هر بیخی کند دارو گیاهی(خ)

گیاهانی که نظامی به خواص درمانی‏ آن‏ها اشاره می‏کند،به شرح زیر است:

الف-گلاب

بیا ساقی امشب به می کن شتاب‏ که با درد سر واجب آمد گلاب(ش)

ب-زعفران و اثر خنده‏آوری و تاثیر سوء مصرف زیاد آن

چو بی‏زعفران گشته‏یی خنده ناک‏ مخور زعفران تا نگردی هلاک(ش)

ج-تباشیر و خاصیت ضدّتب آن

تا نشوی تشنه به تدبیر باش‏ سوخته خرمن چو تباشیر باش(م)

د-عنبر و اثر مفرّح آن

آن عنبر تر ز بهر سودا می‏کرد مفرّحی مهیا(هـ)

هـ-انار و تشبیه دانه‏های آن به نقل‏ (گرانول)شفا بخش

آب از دل باغبان خورد نار باشد که خورد چو نقل بیمار(ل)

و-کافور و صندل و خاصیت ضدّ سودایی آن‏ها

شاخ صندل شمامه‏ی کافور از دلش کرد رنج سودا دور(ل)

ز-تلخک و ترشک:گیاه تلخک‏ برخلاف گیاه ترشک که اثرات درمانی دارد، گیاهی‏ست سمی.

بسا حاجی که خود را از شتر انداخت‏ که ترشک را ز تلخک باز نشناخت

(خ)

ح-اشک مو:مایعی‏ست که از محل‏ برش شاخه‏های درخت انگور در فصل بهار خارج می‏شود و در درمان ورم ملتحمه و ناخنک چشم موثر است.

از نویی انگور بود توتیا وز کهنی مار شود اژدها(م)

ط-عود،گرچه تلخ است،ولی اثرات‏ درمانی خوبی دارد.

بدان تلخی که شیرین کرد روزش‏ چو عود تلخ شیرین بود شوزش(خ)

ی-سیب،خوردن و بوییدن سیب مفرح‏ قلب است.

به کف بر نهاد آن نوازنده سیب‏ به بویی همی داد جان را شکیب

(الف)

گیاهان دیگری که در پنج گنج نظامی‏ مورد اشاره قرار گرفته‏اند،عبارتند از: حنظل،هلیله،هلاهل،خون سیاووشان، اسپرغم(ریحان)،انجیر خام،تریاک، نوش گیاه و کرفس که برای پرهیز از اطاله‏ی کلام از آوردن ابیات مربوطه صرف‏ نظر می‏شود.

2-داروهای کانی

درباره‏ی اثرات مواد کانی در درمان،حکیم‏ نظامی می‏فرماید:

تا هست درست گنج و کان‏هاست‏ چون خرد شود دوای جان‏هاست(ل)

بعضی از عناصر کانی که در خمسه‏ی‏ نظامی بدان‏ها اشاره شده،عبارتند از:

الف-جیوه(سیماب-زیبق)

فلز مایعی که هم اثرات سمی در گوش‏ دارد و هم اثرات درمانی.

صهیل تازیان آتشین جوش‏ زمین را ریخته سیماب در گوش(خ)

به شنگرف(سولفور جیوه)هم‏چنین اشاره‏ شده است:

بیا ساقی آن زبیق تافته‏ به شنگرف کاری عمل یافته

بده تا در ایوان بارش برم‏ چو شنگرف سوده به کارش برم(ش)

ب-توتیا(اکسید روی)،تقویت‏کننده‏ی‏ بینایی‏ست.

ای خاک تو توتیای بینش‏ روشن به تو چشم آفرینش(هـ)

ج-مومیا(نوعی هیدرو کربور نفتی)درمان‏ شکستگی‏هاست.

فلک تا نشکند پشت دوتایی‏ به کس ندهد یک جو مومیایی(خ)

د-یاقوت:نوعی سنگ قدیمی که بنا به‏ عقیده‏ی قدما درمان وباست.

دل راست کن از بلا میندیش‏ یاقوت خور از وبا میندیش(هـ)

هـ-گل سر شوی و اثر خوب آن در زیبایی‏ مو.

گل سر شوی از این معنی که پاک است‏ به سر بر کنندش،گرچه خاک است(خ)

و-صدف:مروارید درون صدف را مایه‏ی‏ سفیدی دندان می‏دانستند.

وان دو سه تن کرده ز بیم و امید زان صدف سوخته دندان سپید(م)

3-درمان جراحی

الف-آمپوتاسیون(قطع عضو)در کژدم زدگی از بالای محل زخم جهت‏ پیشگیری از سرایت سم به قسمت‏های بالاتر و گانگرنه شدن عضو.

چو مار گزیده گردد انگشت‏ واجب شودش بریدن از مشت(هـ)

ب-حجامت(آنجیدن)که یکی از درمان‏های رایج در طب قدیم است.

علاج الرأس او آنجیدن گوش‏ دم الاخوین او خون سیاوش(خ)

4-فیزیوتراپی:پوشاندن لباس آبی رنگ به‏ کسی که یرقان(زردی)دارد.در طب نوین‏ امروز هم از نور آبی رنگ در درمان یرقان نوزاد استفاده می‏شود.(فرتوتراپی)

هر نگاری که زرد بود بدنش‏ لاجوردی کنند پیرهنش(هـ)

5-روان درمانی:تلقین،در داستانی از منظومه‏ی هفت پیکر پیرزنی با دادن آش‏ دروغین(مزورّ)بیماری را درمان می‏کند.

تا همان پیرزن دوا بشناخت‏ پیرزن وارم از دوا بنواخت‏ درد و غم را مزورّی فرمود داشت ناخوردن آن مزورّ سود(هـ)

در طب نوین هم داروی دروغین که‏ دارونما Olacebo نامیده می‏شو،کاربردهای‏ مختلف دارد.

باب هشتم:در پرهیز

الف-رعایت پرهیز در سلامتی و بیماری‏

پرهیز نه دفع یک گزند است‏ در راحت و رنج سودمند است‏ در راحت ازو ثبات یابندض‏ وز رنج بدو نجات یابند(ل)

ب-پرهیز از نمک،نکوهش افراط در خوردن آن

خورش‏ها را نمک،رو تازه دارد نمک باید که نیز اندازه گردد(خ)

ج-پرهیز از غذاهای ناسازگار در یک‏ وعده‏ی غذایی

چو با سرکه سازی مشو شیر خوار که با شیر سرکه بود ناگوار(خ)

باب نهم:قبول مرگ

حکیم نظامی مرگ را به عنوان یک‏ واقعیت که باید آن را پذیرفت،می‏داند و تلویحا توصیه می‏کند که پزشک نباید از شکست‏ درمانی خود سرخورده شو.

1-

دوا گر بود هم چو آب حیات‏ وفا چون کند چون درآید وفات‏ طبیب ار چه داند مداوا نمود چو مدت نماند،از مداوا چه سود(الف) 2-نشاید شدن مرگ را چاره ساز در چاه بر کس نکردند باز تب مرگ چو قصد مردم کند علاج از شناسنده،پی گم کند(الف) 3-وگر خود علم جالینوس دانی‏ چو مرگ آید به جالینوس مانی(خ)

باب دهم:نتیجه

عنایت به مطالب گفته شده در این مقاله‏ وجه نثار لقب«حکیم»به این شاعر نامدار را به‏ خوبی توجیه می‏کند،لقب و عنوانی که سابقا در ایران و حتا اکنون در ایران شمالی(جمهوری‏ آذربایجان)مختص پزشک است.

منابع و ماخذ

(1)-نظامی گنجوی،مجلدهای شش گانه،انتشارات‏ آتلیه هنر،محمد سلحشور،تهران،1371.

(2)-مجموعه‏ی مقالات کنگره‏ی بین المللی‏ تاریخ پزشکی در اسلام و ایران،تهران،1371، علی‏اکبر باقری خلیلی،دکتر بهروز ثروتیان،دکتر فاطمه علاقه

(3)-نشریه‏ی فرهنگ،خمسه‏ی نظامی از دیدگاه‏ پزشکی،نور الدین شازده احمدی.

(4)-لغت نامه‏ی دهخدا.

(5)-فرهنگ فارسی معین.

نظامی گنجوی

زنده یاد دکتر تراب بصیری(بینا)

دارم بسی درود ز یاران معنوی‏ بر شاعر گزیده نظامیّ گنجوی‏ فرزانه‏یی که مانده از او گنج شایگان‏ دارد به سرزمین ادب فرّ خسروی‏ در ملک شعر باشد،گوینده‏یی به نام‏ در گفت خویش دارد،گفتار پهلوی‏ گوینده‏یی بزرگ که دارد کلام او آهنگ روح پرور ابیات مثنوی‏ شور و نوای عشق رساند به گوش دل‏ گر گفته‏های دلکش زیباش بشنوی‏ اشعار نغز او که بود خوب چون شکر باشد نظیر سعدی و هم وزن مولوی‏ او را ستوده‏اند به دانایی و خرد مانند اوستاد سخن میر دهلوی‏ در پنج گنج خویش نهاده است سیم و زر وی را نبوده است به سر آجر دنیوی‏ «بینا»ثنای شاعر گوید به راستی‏ هم چون ندای موسی و انفاس عیسوی‏ «هرگز نمیرد آن‏که دلش زنده شد به عشق» باشد همیشه زنده به الطاف معنوی

حافظ:با تشکر از دکتر هوشنگ‏ بدیعی پزشک عالی‏قدر که نسخه‏یی از «اشعار پراکنده»ی این شاعر شیرازی که به‏ اهتمام ایشان به چاپ رسیده است،را به‏ حافظیان،هدیه کرد.پیش از این نیز به‏ پایمردی دکتر مهدی پرهام یادی از این‏ شاعر در صفحات همین مجله کرده‏ بودیم؛با تشکّری ویژه از همه‏ی‏ گردانندگان و اعضای فرهیخته‏ی«مجمع‏ فارسیان تهران».